

# البرادعی گزارش می‌دهد روسیه قطعنامه صادر می‌کند!



محمدصادق امینی



ارایه نماید، ضروری است که ایران از جمله: اطلاعات و دسترسی لازم را برای حل و فصل رفع سوالات باقی‌مانده مربوط به مطالعات ادعایی فراهم نموده، اطلاعات بیشتری پیرامون شرایط دستیابی به سند اورانیوم فلزی ارایه دهد، درباره فعالیت‌های خرید و تحقیق و توسعه نهادهای مرتبط با بخش نظامی که می‌تواند به مسایل هسته‌ای ارتباط داشته باشد، رفع ابهام نماید و درباره تولید تجهیزات و قطعات هسته‌ای توسط شرکت‌های متعلق به صنایع دفاع رفع ابهام نماید». این درخواست در شرایطی مطرح شده که بنابر آنچه در گزارش آورده

شدن وضعیت آنها مورد انتقاد قرار گرفته است. به همین علت البرادعی با تکیه بر این دو محور در گزارش خود نوشته است: «متأسفانه آژانس نتوانسته پیشرفت خاصی درباره این تحقیقات و دیگر مسایل کلیدی مرتبط که مایه نگرانی جدی است، حاصل کند». مقامات ایرانی نیز در برابر چنین ادعایی اظهار داشته‌اند که تهران صمیمانه‌ترین و جدی‌ترین همکاری‌ها را تاکنون با آژانس داشته و این همکاری‌ها را فقط در چارچوب مقررات مربوطه ادامه می‌دهد. در واقع باید گفت که همین اختلاف در نوع توقعات ایران و آژانس از یکدیگر و محور قرار گرفتن ادعاهایی که ایران آنها را جعلی و ساختگی می‌داند، باعث شد تا این بار البرادعی گزارشی را تنظیم نماید

که بر خلاف سایر گزارش‌های وی، اینک پایه و اساس آن را ادعاهایی تشکیل می‌دهد که حتی خود تهیه‌کنندگان آن اسناد نیز حاضر نیستند اصل آن مدارک را در اختیار تهران قرار داده ولی می‌خواهند که طرف ایرانی مذاکرات به تمام آن ادعاها پاسخ گوید!

با وجود چنین اختلافی بین ایران و آژانس بر سر ارایه مدارک مطالعات ادعایی از سوی آژانس به ایران، البرادعی همچنان بر این عقیده است که تهران می‌تواند به عنوان اقدامی شفاف‌ساز به آژانس در ارزیابی از مطالعات ادعایی با ارایه دسترسی به اسناد، اطلاعات و پرسنل کمک نماید تا نشان دهد همان طور که ایران تأکید می‌کند، این فعالیت‌ها مربوط به فعالیت‌های هسته‌ای نبوده‌اند. به همین علت البرادعی در گزارش اخیر خود می‌نویسد:

«برای اینکه آژانس بتواند به این نگرانی‌ها بپردازد و تضمین معتبر در خصوص عدم وجود مواد و فعالیت‌های هسته‌ای اظهار نشده در ایران

تازه‌ترین گزارش محمد البرادعی، مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی درباره فعالیت‌های اتمی ایران که ۱۵ سپتامبر، در وین منتشر شد، حاکی از اصرار ایران در ادامه بی‌اعتنایی به قطعنامه‌های شورای امنیت مبنی بر توقف غنی‌سازی اورانیوم و سرپیچی از قبول دیگر خواسته‌های آن شور است. در واقع گزارش جدید البرادعی در مقایسه با گزارش پیشین وی که پس از انجام همکاری‌های موسوم به «مدالیته» در سال ۲۰۰۷ میلادی بین ایران و آژانس صورت گرفت، گزارشی بسیار منفی و حاکی از تنزل چشمگیر سطح همکاری‌های ایران با آژانس است. با توجه به اینکه گزارش قبلی، در عین متعادل بودن و بیشتر به دلیل تأیید ادامه و توسعه عملیات غنی‌سازی اورانیوم توسط ایران به صدور قطعنامه شماره ۱۸۰۳ در سوم ماه مارس سال جاری انجامید، این گزارش انتقادی نیز که فاقد هر نکته مثبت و یا قدردانی از ایران بود، نمی‌توانست از سوی شورای امنیت بی‌پاسخ گذاشته شود و به همین علت منجر به صدور قطعنامه چهارم شورای امنیت سازمان ملل علیه فعالیت‌های صلح‌آمیز هسته‌ای کشورمان گردید. هر چند که در گزارش البرادعی در حقیقت هیچ نکته مهمی برای صدور قطعنامه جدید وجود نداشت و تنها به موارد سیاسی و بحث مطالعات ادعایی اشاره شده بود، ولی نگاهی موشکافانه به گزارش البرادعی و عملکرد مسوولان ایرانی نشان می‌دهد که اراده‌ی ایران برای ساخت زیربنای هسته‌ای خود به‌رغم تحریم‌های بین‌المللی محکم‌تر شده است.

## مدیر کل به گزارش‌دهی ادامه می‌دهد!

در گزارش اخیر البرادعی علاوه بر تأیید تمرد از توصیه شورا برای توقف غنی‌سازی اورانیوم، البرادعی به سوال‌های بی‌پاسخ مانده آژانس پیرامون مطالعات ادعایی نیز اشاره کرده و پیامد آن عدم همکاری ایران برای روشن



البرادعی آمده تنها نسخه‌های نرم‌افزاری اسناد به مقامات ایرانی نشان داده شده‌اند و تهران حتی کپی این اسناد را دریافت نداشته تا بتواند ثابت نماید این اسناد جعلی و ساختگی هستند. ایران همچنین ابراز نگرانی کرده که حل و فصل برخی از این مسایل مستلزم دسترسی آژانس به اطلاعات حساس مربوط به فعالیت‌های متعارف نظامی و موشکی آن است. چنین درخواست‌هایی از ایران در شرایطی صورت می‌گیرد که بنابر گزارش البرادعی، آژانس هنوز استفاده عملی از مواد هسته‌ای در ارتباط با مطالعات ادعایی را تشخیص نداده ولی از تهران می‌خواهد برای اینکه آژانس در موقعیتی قرار بگیرد که راستی‌آزمایی عدم وجود مواد و فعالیت‌های هسته‌ای اعلام نشده در ایران را تایید کند به روشن‌سازی در این زمینه اقدام نماید.

با وجود این از دیگر خواسته‌های آژانس در گزارش اخیر البردعی از تهران می‌توان به درخواست همکاری از تهران در خصوص مطالعات ادعایی در زمینه آزمایش‌های انفجاری با قدرت بالا، دسترسی به افراد و سندی که آزمایش‌های مربوط به آغاز متقارن یک خرج انفجاری با قدرت بالا به شکل نیمکره هندسی مناسب برای یک وسیله هسته از نوع انفجاری را تشریح می‌نماید، اشاره کرد. ایران هر چند بارها تاکید کرده است که چنین فعالیت‌هایی در ایران وجود نداشته و حتی خود آژانس نیز هیچ مدرکی دال بر انجام چنین فعالیت‌هایی در کشورمان ندارد، ولی آژانس مجدداً با محور قرار دادن ادعاهایی مبنی بر اینکه آزمایش‌های تشریح شده در اسناد ادعایی نشان از مساعدت کارشناسی خارجی در فعالیت‌های ایران می‌دهد از کشورمان درخواست کرده تا تهران زمینه گفت‌وگو با متخصصان ایرانی را درباره محتوای گزارش‌های مهندسی که به بررسی دقیق مطالعات مدل‌سازی مربوطه به تاثیرات پارامترهای مختلف فیزیکی بدنه با قابلیت بازگشت از زمان پرتاب موشک تا انفجار خرج را می‌دهد، فراهم کند.

### روسیه و بازی با کارت ایران!

هر چند روس‌ها همواره در موضع‌گیری خود نسبت به پرونده هسته‌ای ایران مخالفت خود را با هر گونه اقدام نظامی علیه فعالیت‌های هسته‌ای تهران اعلام کرده‌اند؛ ولی نگاهی به نقش و عملکرد روسیه در طول سال‌های گذشته و استفاده ایزاری سران کرملین از پرونده‌ای هسته‌ای ایران در مناسبات این کشور با غرب همگی گویای این واقعیت است که روس‌ها با «شمشیری دو لبه» که از یک سو ایران و از سوی دیگر جبهه ضد ایرانی گروه ۵+۱ را تحت‌الشعاع خود قرار خواهد داد، در حال بازی هستند. شمشیر دولبه روسیه که به عنوان تاکتیک مسکو در این مقطع زمانی در دستور کار سران کاخ کرملین قرار گرفته، به خوبی توانسته نقش خود را در ترمیم موقتی تنش‌هایی که به علت حمله این کشور به گرجستان در ماه‌های گذشته سبب تشدید اختلافات مسکو با غرب شده بود را نشان دهد. این اقدام مسکو نه تنها خط بطلانی بر تحلیل‌هایی کشید که مدعی بودند روسیه به علت اختلافات خود با غرب در پرونده

## شمشیر دولبه روسیه که به عنوان تاکتیک مسکو در این مقطع زمانی در دستور کار سران کاخ کرملین قرار گرفته، به خوبی توانسته نقش خود را در ترمیم موقتی تنش‌هایی که به علت حمله‌ی این کشور به گرجستان در ماه‌های گذشته سبب تشدید اختلافات مسکو با غرب شده بود را نشان دهد

هسته‌ای ایران از مواضع تهران حمایت می‌کند و مانع از تصویب قطعنامه جدیدی علیه فعالیت‌های هسته‌ای تهران می‌شود، بلکه علاوه بر افزودن قطعنامه جدیدی به مجموع کارنامه هسته‌ای ایران پیغامی را در خصوص رویکرد تعادل در مواضع مسکو در قبال تهران به آمریکا و هم‌پیمانان او گوشزد کرد.

از آن جایی که تصویب قطعنامه چهارم علیه فعالیت‌های هسته‌ای صلح‌آمیز ایران به ابتکار روسیه و پس از مذاکرات سرگی لاوروف، وزیر خارجه روسیه با کاندولیزا رایس، همتای آمریکاییش تصویب شد، به نظر می‌رسد که باید نگاه مسکو به مساله هسته‌ای ایران را حداقل در این مقطع زمانی به عواملی خارج از آن همچون مسایل مربوط به قفقاز و آنچه دیپلماسی قفقازی ایران خوانده می‌شد نیز مرتبط نماییم؛ به هر حال با نیم نگاهی به مواضع سابق روسیه در خصوص ایران درمی‌یابیم که اعلام موضع طلبکارانه از سوی مسکو در آینده نه چندان دور به واسطه پیشگیری از صدور قطعنامه‌ای با محتوای رادیکال‌تر و به اصطلاح تنبیهی‌تر به هیچ وجه دور از ذهن نیست و این نکته‌ای است که قطعا بسیاری از مقامات ایرانی در مواجهه با گام‌های آینده مسکو و همچنین گروه ۵+۱، باید به آن توجه داشته باشند. با این حال باید دید که آیا اقدام روسیه در تهیه پیش‌نویس قطعنامه ۱۸۳۵ از سوی مقامات تهران پاسخی خواهد داشت و از این پس برخی طرح‌های پیشنهادی روسیه برای برقراری ائتلاف منطقه‌ای با ایران که به طور خصوصی با برخی مقامات ایرانی مطرح شده است از سوی ایران منتفی قلمداد خواهد شد یا خیر؟

### اگر من هم بودم، به غرب اعتماد نمی‌کردم

هر چند شولته در برداشت‌های مغرضانه خود از گزارش اخیر البرادعی مدعی شده که ایران مانع کار آژانس بین‌المللی انرژی اتمی شده و به همین علت از تهران خواسته به جای آنچه که "عذر و بهانه آوردن" می‌نامد به سوالات آژانس پاسخ بگوید، ولی لازم است که آمریکایی‌ها نیز اگر خواستار همکاری بیشتر تهران در مساله هسته‌ای هستند به جای مشخص کردن «بایدها و نبایدها» در مسیر اعتمادسازی گام بردارند.

این موضوع از چند جهت حایز اهمیت است؛ اول اینکه کوبیدن بر طبل تعلیق غنی‌سازی اورانیوم برای آغاز گفت‌وگو با ایران دیگر کاربردی ندارد. دوم اینکه سران کاخ سفید نمی‌توانند به رویکردهای دوگانه خود در موضوع هسته‌ای نسبت به کشورهای دیگر مانند هند، پاکستان و اسرائیل که کلاهک‌های هسته‌ای دارند ولی پیمان ان‌بی‌تی را امضا نکرده‌اند، ادامه بدهند؛ ولی از تهران توقع داشته باشند که با چشم‌پوشی از حقوق مسلم خود فقط با درخواست‌های غیرمشروع غرب موافقت نماید. چنین رویکرد دوگانه‌ای از سوی آمریکا نشان می‌دهد که آمریکایی‌ها زمانی که به ان‌بی‌تی نیاز دارند، در مورد آن سخن می‌گویند ولی هنگامی که نیازی به آن ندارند، آن را از نظر دور می‌دارند. مقاومت سرسختانه تهران در روند فعالیت‌های هسته‌ای خود، هر چند محدودیت‌ها و مشکلاتی را نیز برای آن در پی داشته ولی آمریکایی‌ها نیز امروزه چوب بی‌توجهی به فرصتی (اواخر سال ۲۰۰۳ تا اواسط ۲۰۰۵) را می‌خورند که تهران برای آغاز مذاکرات با اروپا و اعتمادسازی، فعالیت‌های خود را تعلیق کرد، ولی سران کاخ سفید هیچ استفاده‌ای از این فرصت نکردند. حتی دکتر «اکبر اعتماد» دانشمندی که برای نخستین بار برنامه هسته‌ای ایران را در زمان حکومت شاه در ایران آغاز کرد، به عنوان یکی از اعضای رژیم سابق، تهران را به رد هر گونه درخواست بین‌المللی مبنی بر توقف غنی‌سازی اورانیوم ترغیب می‌کند. دانشمند ایرانی تحصیل‌کرده در سوئیس که اکنون در پاریس زندگی می‌کند و رهبری گروهی از شخصیت‌های برجسته ایرانی در تبعید را بر عهده دارد که با لابی درصدد پیشگیری از حمله نظامی به ایران هستند، در مصاحبه خود با مجله «تایم» گفته است: در زمان شاه، ما به این نتیجه رسیدیم که ایران به شدت نیازمند انرژی هسته‌ای است، چرا که جمعیت کشور پیوسته رو به رشد بود و منابع نفت و گاز هم که پایان‌پذیرند، به همین خاطر، من با اینکه عضوی از رژیم سابق بودم، باید نسبت به رژیم حاکم کنونی هم منصف باشم، چون آنها همان خط را دنبال می‌کنند». این مقام سابق ایرانی همچنین تاکید می‌کند: «اروپایی‌ها می‌گویند غنی‌سازی را متوقف کنید تا مذاکرات را آغاز کنیم، اما ایرانی‌ها قبلاً این کار را انجام دادند و هیچ اتفاقی هم رخ نداد.» او ادامه می‌دهد: "در زمان شاه، ما قراردادهایی را با فرانسه و آلمان امضا کردیم و حتی در آن زمان هم آنها از عمل به تعهدات سرباززدند. اگر من در نظام کنونی هم بودم، به غرب اعتماد نمی‌کردم. آنها حتی لوازم یدکی هواپیماهای مسافربری را هم به ایران نمی‌دهند، که همین تصمیم آنان به قیمت جان صدها نفر تمام شده است؛ ایرانی‌ها چطور می‌توانند مطمئن باشند که غرب اورانیوم غنی‌شده در اختیارشان قرار می‌دهد؟

منابع: سایت آژانس هسته‌ای، واشنگتن پست، اینترنشنال هیرالد تریبیون، خبرگزاری فرانسه